

خیانت در امانت

چوپانی با همدستی فردی دیگر در امانت خیانت کرد و به سرقت چندین گوسفند از گله تحت اختیارش اقدام کرد و آن را به گردن گرگ انداخت اما با شکایت صاحبان دام ها دستش رو شد و کارش به قانون کشید. به گزارش خبرنگار مایکی از مال باختگان مدعی شد: یکی از روزها زمانی که گله گوسفندان از صحرا به روستا برگشت دیدم تعدادی از گوسفندانم در بین گله نیستند و وقتی از همسایه ها سوال کردم متوجه شدم که تعدادی از گوسفندان آن ها نیز ناپدید شده است. بعد

در راهروی دادگاه خانواده

کاش مقاومت می کردم

صدیقی- زندگی ام به تاراج رفت و نه بچه ای برایم باقی ماند که برایش مادری و نه همسری که برایش کدبانو گری کنم.

مادرم در زندگی مشترک بی حد و اندازه دخالت می کرد و عقیده داشت کار درست را انجام می دهد. زن جوان با چشمانی اشکبار با گفتن این جملات، دفتر زندگی اش را ورق می زند و تعریف می کند: شوهرم همسایه مان بود. با این که خواستگاران زیادی داشتم اما انگار قسمت ام مرد متوهم و معتاد بود. قبل از ازدواج از اعتیاد همسرم اطلاع نداشتم اما بعد از رفتن زیر یک سقف تازه متوجه اخلاق های تند و توهم های ناشی از اعتیادش شدم. همسرم چه زمانی که خمار و چه وقتی نشئه بود هر بار با یک بهانه که چرا به خانه مادرم رفته و دیر به خانه برگشته ام به شدت من را تنگ می زد. حتی زمان بارداری ام در یکی از روزها که مشغول خیاطی بودم سر یک موضوعی عصبانی شد و چرخ خیاطی را به سمت ام پرتاب کرد که اگر خودم را جمع و جور نمی کردم حتما به بچه داخل شکمم آسیب می رسید و با این کارش از ناحیه کتف و دست دچار سنگستگی شدیدی شدم. بعد از این اتفاق مادرم به جای این که با راهنمایی صحیح شوهرم را متوجه اشتباهات خطرناکش کند با ایجاد جنگ روانی و آبروریزی علیه خانواده شوهرم نزد فامیل و همسایه ها باعث شد آن ها علیه من موضع گیری کنند. خانواده شوهرم به تلافی آبروریزی مادرم من را تحت فشار قرار می دادند و باعث می شدند شوهرم من را تنگ بزند. هر چقدر به مادرم هشدار می دادم تا از بدگویی علیه شوهرم و خانواده اش دست بردارد اما او فکر می کرد به من کمک می کند.

با ایجاد کشمکش بین دو خانواده، زندگی مشترک کمان قربانی شد و از هم پاشید.

با خوردن مهر طلاق بر شناسنامه ام آن هم در سن جوانی به یک زن مطلقه تبدیل شدم و از طرفی شوهرم حضانت دخترم را از من گرفت و تک و تنها در میان مشکلات گیر افتادم. بعد از طلاق به خاطر دوری از دخترم افسرده شدم و برای رهایی از تنهایی و غم سنگین جدایی به سراغ مواد رفته و روز به روز در مناجاب افیون غرق شدم. کاش در مقابل دخالت های مادرم و خانواده شوهرم مقاومت و از زندگی ام محافظت می کردم.

سارقى که پس از سرقت به خواب رفت

وسوسه ۱۰۰ هزار تومانی

آگاهی

در راهروی دادگاه نشسته و منتظر اعلام حکم است. می گوید برای ۱۰۰ هزار تومان حاضر شده با سارقان برای سرقت چند راس گاو در یکی از روستاهای غرب بجنورد مشارکت کند. او ماجرای سرقت شان را این گونه تعریف می کند: یکی از دوستانم پیشنهاد داد که با آن ها برای سرقت چند راس گاو از یکی از روستاها همکاری کنم. طبق نقشه قرار بود ما در تاریکی شب گاوها را ابتدا پیاده به روستای بعدی و سپس با خودرو آن ها را به شمال کشور ببریم و بفروشیم. ما در زمان مقرر وارد طولیه شدیم و چند راس گاو را با زحمت به سمت روستای مورد نظر بردیم. منتظراننده نیشان بودیم اما معلوم نبود چرا دیر کرده، تصور می کردیم شاید چون اهل این منطقه نیست راه را گم کرده است.

گاوها را به درختی بستیم و منتظر ماندیم. در این میان خواب مان برد، زمانی که چشمانم را باز کردم دیدم از بقیه خبری نیست و مردم خشمگین من را محاصره کرده اند.

وی در پاسخ به این سوال که آیا پیش از این سابقه سرقت داشته است بیان می کند: بله من قبلا هم به جرم سرقت دستگیر شده و مدتی در حبس بودم. به خاطر اعتیاد و تامین هزینه موادم سرقت می کردم اما بیشتر سرقت هایم، خرد بود. من از خواهر و برادرهایم هم دزدی می کردم تا پول موادم را تامین کنم. او درباره چگونگی اعتیادش تعریف می کند: ۱۷ یا ۱۸ ساله بودم که روزی به خانه دوستم رفتم. دوستانم قبل از ورودم سیگارهای شان را مخفی کرده بودند اما از بوی پراکنده شده در اتاق فهمیدم که سیگار کشیده اند. هر چند دوستانم در ابتدا از کشیدن سیگار پیش من خجالت می کشیدند اما رفته رفته برای شان عادی شد و من هم با آن ها



شروع به کشیدن سیگار کردم. پدر و مادر پیری داشتم که کاری به کارم نداشتند. من کارگری می کردم و روز به روز اعتیادم بیشتر می شد تا این که برای تهیه مواد شروع به دزدی کردم.

او درباره این که آیا تاکنون برای ترک اعتیاد اقدام کرده است می گوید: من در ۲۰ سالگی ازدواج کردم اما در ۲۳ سالگی وقتی دیدم همسرم در حال سوختن در آتش اعتیاد است از او خواستم از من جدا شود. بعد از طلاق شرایط برای من سخت تر شد و آن موقع بود که تصمیم گرفتم ترک کنم. به کمپ رفتم و ۳ سال پاک بودم تا این که پای زنی به زندگی ام باز شد. ارتباط من با این زن قاچاقچی باعث شد دوباره معتاد شوم. او هم اکنون به جرم قاچاق مواد در زندان است. او با افسوس بیان می کند: برای ۱۰۰ هزار تومان

وسوسه شدم و حالا معلوم نیست دوباره چند وقت به زندان بیفتم اما اگر این بار از زندان آزاد شوم تلاش می کنم اعتیادم را ترک کنم و آدم بهتری

ارتباط من با این زن قاچاقچی باعث شد دوباره معتاد شوم. او هم اکنون به جرم قاچاق مواد در زندان است

شوم. گزارش خبرنگار ما حاکی است چندی پیش مردی روستایی هنگام بازگشت به روستای شان در تاریکی شب، چند راس گاو زخمی را می بیند که به درخت بسته شده اند و از آن جایی که شنیده بود در روستای مجاورشان تعدادی گاو سرقت شده است حدس می زند که گاوهایی که دیده سرقتی است به همین علت صاحب گاو ها را از این موضوع با خبر می کند و آن ها موفق می شوند سارقى را که خواب مانده دستگیر کنند؛ سارقى که گفت و گو با او را از نظر گذراندید.

سرقت از خانه باغ

فردی مدعی شد سارق با سارقان از خانه باغ وی در روستای بدرانلو سرقت کردند و تمام لوازم گران قیمت او را به یغما بردند. به گزارش خبرنگار ما صاحب باغ در این باره مدعی شد: طبق روال هر روز، هنگامی که صبح به خانه باغم در بدرانلو رفتم با در باز باغ مواجه شدم. بعد از وارد شدن به باغ و بررسی داخل خانه باغ

فردی مدعی شد سارق با سارقان از خانه باغ وی در روستای بدرانلو سرقت کردند و تمام لوازم گران قیمت او را به یغما بردند. به گزارش خبرنگار ما صاحب باغ در این باره مدعی شد: طبق روال هر روز، هنگامی که صبح به خانه باغم در بدرانلو رفتم با در باز باغ مواجه شدم. بعد از وارد شدن به باغ و بررسی داخل خانه باغ

تلنگر

چگونه مشکلات و اختلافات خانوادگی را حل کنیم؟

مقابله با خشم

بسیار مهم است. یافتن مشکلی که موجب بروز خشم شده از اهمیت فراوانی برخوردار است. همسران باید مهارت های ارتباطی خود را افزایش دهند، عصبانیت طرف مقابل خود را درک و زنجیره طولانی درگیری ها را پاره کنند.

بالا بردن صدا بلافاصله موجب برانگیخته شدن اقدامات دفاعی بدن در برابر حمله های روحی و جسمی می شود و سد محکمی را در برابر برقراری ارتباط منطقی به وجود می آورد.

هر دو طرف باید بر موقعیت غلبه کنند و مسئولیت کار اشتباه خود را بپذیرند و با صداقت خود، اعتماد و صمیمیت طرف مقابل را جلب کنند.

اگر یک نفر بتواند مسئولیت رفتارهای مخرب یا نادرست خود را بپذیرد، موجب می شود که طرف مقابل نیز همین رفتار را داشته باشد.

گاهی حضور یک واسطه بی طرف می تواند به طرف را متوجه چرخه نابودگر خشمی کند که موجب ناتوانی در برقراری ارتباط آنها شده است. این شخص می تواند اعتماد و صمیمیت را بین زوج برقرار کند. علاوه بر این، این واسطه می تواند محیط آرامی را ایجاد کند که در آن مسائل بهتر بیان شوند و توافق و تفاهم، بدون بروز عصبانیت، حاصل شود.

پهلوان مدد کار بهزیستی خراسان شمالی

عوامل متعددی می توانند موجب بحث های طولانی، سخنرانی های یک طرفه، عدم درک متقابل، برداشت های نادرست و فقدان محبت شوند. این مشکلات می توانند زن و شوهر و فرزندان آنان را تحت تأثیر قرار دهد و اثر آن تا نسل ها ادامه یابد. خشم، به طور غیر مستقیم به وجود یک ایراد کلی در زندگی زناشویی یا خارج از آن دلالت می کند، اما متمرکز کردن آن روی شریک زندگی به این معناست که یک اشکال اساسی در این رابطه وجود دارد. بیشتر اوقات عصبانیت نتیجه فرعی داشتن حس ناپدیده گرفته شدن، تنها ماندن، خوار شدن، غیر منصفانه قضاوت شدن، مورد خیانت قرار گرفتن یا از نظر احساسی ترک شدن است. خشم نشانه ای از چنین فشارهایی است و تا حد امکان باید آن را با خونسردی و منطق پاسخ داد. ممکن است تمام این احساسات در نتیجه مشکل حرفه ای(مانند بیکار شدن) پیش آمده باشد و حل آن، شعله های خشم را از همسر بی گناه دور نگه می دارد. خشم می تواند به اشکال دیگری همچون ضعف، بی ارادگی و تسلیم بروز کند. ترک کردن احساسات و زندگی مانند یک مرده متحرک برای یک رابطه خطرناک است، در یک کلام، رابطه را خواهد کشید.

چهارچوب می توان کرد؟

شناخت و درک چگونگی تخریب یک رابطه

